

**Investigating the clash of geopolitical interests of Iran and Türkiye in Central Asia and the Caucasus**

Mohammadreza Joufar<sup>1</sup>, Hamidreza Mohammadi<sup>2\*</sup>

1- PhD Student of Political Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2- Associate Professor of Department of Human Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

**Received: 17 June 20232**

**Accepted: 15 October 2023**

**Extended Abstract**

**Introduction**

After the collapse of the Soviet Union, the field of competition in Central Asia and the Far East became available for Iran and Turkey. The ideological vacuum caused by the collapse of Syria led to the fact that Turkey, with the support of the West, could use the theory of strategic depth to seek ways of influence and alliance with the countries of the region. This country shares historical, cultural and linguistic commonality with the countries of Central Asia and the Caucasus. In this regard, Turkey was able to promote its ideology by establishing effective institutions in promoting Pan-Turkist ideas. The arena of competition between Iran and Türkiye in the region has become complicated and it seems that the two countries have clashed geopolitical interests in the region. Turkey's ideology is based on secular thinking and Iran's is based on nation-centered thinking. Therefore, the intersection of ideological ideas has also occurred in different fields. In recent years, new campaigns and processes of power are emerging in Central Asia and the Caucasus, which may have created a new structure of power play between regional and extra-regional countries. Regardless of the geopolitical value of this region, it is considered a geopolitical arena for Iran in competition with its other regional competitors, so the loss of strategic depth in this region will have a negative effect on Iran's ability to maneuver in competition with other regional competitors. Therefore, the research seeks to answer the question, "What are the components of the conflict between the geopolitical interests of Iran and Turkey in Central Asia and the Caucasus".

**Methodology**

The current research aims to provide a comprehensive analysis of the clash of geopolitical interests of Iran and Türkiye and extract the geopolitical components of this issue. The current research method is qualitative and the data analysis strategy is inductive. Therefore, by using the descriptive-analytical approach and collecting data in a documentary-library form and by studying books, articles and also online resources, inferences have been made from the discussion.

**Results and Discussion**

Türkiye's foreign policy based on the theory of strategic depth is looking for a way to penetrate Central Asia using the Caucasus route. This is the most important gate for this country in order to develop economic relations and trade relations with the mentioned regions. Linguistic, racial and ethnic similarity, the framework of secular governments, the revival of Turkish nationalism using the concept of pan-Turkism and historical-cultural commonalities are the factors that lead

---

\* . Corresponding Author (Email: H-mohammadi@sbu.ac.ir)

Copyright © 2023 Journal of Geography. This is an **Open Access** article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

to the use of the geopolitical approach of influence in the countries of the region and the clash of interests with the Islamic Republic of Iran. What was inferred in the research studies is the conflict of interests including political-ideological, political-nationalist, economic and Karabakh war components. The political and ideological problem has been created from the political systems, different attitudes and structures and the specific ideology of the ruler in the two countries. Türkiye has a secular attitude and Iran is nation-oriented. In the political and nationalistic issue, Turkey's emphasis is on ethnicity and pan-Turkism. The roots of this difference can be considered the thoughts of Turkish nationalism. In the economic field, due to sanctions and lack of attention to regional countries, Turkey's financial transactions with these countries are much more than with Iran. Finally, the Karabakh war, which had geopolitical reasons, increased the differences and the field of conflict was clearly defined.

### **Conclusion**

The different and competitive roles of Turkey and Iran cause a clash of geopolitical interests in Central Asia and the Caucasus. Finally, the pattern of behavior of the two countries has been led to conflict, competition and confrontation. Iran's advantage over Turkey in these areas is Iran's common border with other countries, as opposed to Turkey's border of a few kilometers in Nakhchivan with Azerbaijan, so it can be claimed that Turkey practically does not have a border with this country. Also, Iran's traditional ties with the Transcaucasia peoples are that unlike the Armenian-Turkish relations, there is no feeling of dissatisfaction and insult to the past. As long as the two countries are in a similar situation in terms of the extent of power, they will consider any relations, behavior and developments with the countries of Central Asia and the Caucasus as vital, and we will witness serious differences between the two countries. This challenge will become more serious with the increasing power of Türkiye and Iran. Because the two countries seek to increase their geopolitical influence in the region by increasing their power. This role will cause the two countries' strategies to overlap, and as a result, the pattern of competition, conflict and confrontation between Turkey and the Islamic Republic of Iran will increase.

**Keywords:** Geopolitical interests, Iran, Turkey, Caucasus, Central Asia

## بررسی تزاخم منافع ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز

محمد رضا جوفار - دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

حمیدرضا محمدی<sup>۱</sup> - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۷

### چکیده

پس از فروپاشی شوروی، عرصه رقابت در آسیای مرکزی و قفقاز برای ایران و ترکیه فراهم شد. خلا ایدئولوژیک ناشی از فروپاشی شوروی منجر به آن شد که ترکیه با حمایت غرب، بتواند با استفاده از نظریه عمق استراتژیک، به دنبال راه‌های نفوذ و اتحاد با کشورهای منطقه باشد. این کشور با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی دارد. در این رابطه ترکیه توانست با تاسیس نهادهای موثر در ترویج اندیشه‌های پان‌ترکیستی، ایدئولوژی خود را تبلیغ کند. عرصه رقابت میان ایران و ترکیه در منطقه پیچیده شده و به نظر می‌رسد دو کشور دچار تزاخم منافع ژئوپلیتیکی در منطقه شده‌اند. ایدئولوژی ترکیه بر اساس تفکرات سکولار و ایران بر اساس تفکرات امت محوری استوار است. از این رو، تلاقی اندیشه‌های ایدئولوژیک در عرصه‌های مختلف نیز پیش آمده است. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که «مولفه‌های تزاخم منافع ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز چیست؟» پژوهش از نظر ماهیت تلفیقی از روش توصیفی-تحلیلی بوده و از نظر نوع پژوهش کاربردی بشمار می‌رود. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز اسنادی-کتابخانه‌ای است. این پژوهش عوامل این تزاخم را با توجه به نظریه عمق استراتژیک عرصه‌های سیاسی و ایدئولوژیک، ناسیونالیستی، اقتصادی و جنگ قره‌باغ در نظر گرفته است. نتیجه پژوهش روابط دو کشور ایران و ترکیه در منطقه را بر اساس استراتژی داود اوغلو دانسته و رقابت دو کشور به میزانی جدی و مهم تلقی می‌گردد که موجب تقابل در سیاست خارجی دو کشور شده است. ایران برای افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود باید اقدامات خود را در منطقه افزایش داده و در عرصه اقتصادی و با استراتژی قدرت نرم در منطقه فعالیت مضاعفی انجام دهد.

**واژگان کلیدی:** منافع ژئوپلیتیکی، عمق استراتژیک، ایران، ترکیه، قفقاز، آسیای مرکزی

## مقدمه

ایران و ترکیه دو کشور همسایه با ۴۵۲ کیلومتر مرز مشترک (حافظنیا، ۱۳۹۹: ۳۰۶) و اشتراکات زیاد دارای سطح بالای روابط همکاری در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی هستند. اما در سطوح روابط این دو بازیگر مناقشات موجود در روابط طرفین اغلب نوعی تعارض را به نمایش می‌گذارد. به نظر می‌رسد تعارضات دو کشور، در حوزه اندیشه ژئوپلیتیکی - ایدئولوژیکی ریشه دارد. از این رو بررسی این حوزه در جهت شناسایی عوامل موثر بر پیوندهای نامتعادل در این پژوهش بررسی خواهد شد. وجود اختلاف دو کشور عموماً نهان است لکن بستر اختلاف‌زا در مناسبات آن‌ها را فراهم می‌کند. دو بازیگر در تبیین نوع رابطه دین و سیاست در طیف مقابل هم قرار دارند و نتیجتاً پیامد طبیعی آن تعارض منافع دو آن‌ها و دو گانگی در نگرش‌های نافذ در تشخیص آن منافع و تحلیل مسائل ژئوپلیتیکی و سیاسی است. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ به دلیل ویژگی اسلامی خود اهداف آرمانی - ایدئولوژیکی را ترسیم کرد که با اهداف منافع ساختار دولت‌های غیر دینی و لائیک همچون ترکیه تلاقی پیدا کرده و شالوده نگرانی این کشور را ایجاد نمود. اگرچه این دو بازیگر با ادبیات دیپلماتیک به بیان انتقادهای خود از نظام و منظر سیاسی طرف مقابل پرداخته‌اند اما غالباً در این شیوه توفیقی حاصل نکرده و در پاره‌ای مواقع انتقادهایی بی‌پرده و بدون تعارف سیاسی در مطبوعات دو کشور به چشم می‌خورد و موجب بروز تنش در روابط دو جانبه می‌شود. در کل روابط دو کشور بسته به منافعشان گاهی همکاری و گاهی تعارض نزدیک می‌شود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۱). اختلاف‌های دو کشور تنها در سطح روابط دو جانبه نبوده و ظهور و بروز آن در آسیای مرکزی و قفقاز یا در غرب آسیا نمود یافته است. دو کشور به دنبال دستیابی به همپیمان، نفوذ و افزایش قدرت ژئوپلیتیکی خود در این مناطق هستند. گاهی سطح چالش به تقابل می‌رسد و بحران‌های ژئوپلیتیکی ویژه‌ای را شاهد هستیم. در سال‌های اخیر در آسیای مرکزی و قفقاز پویاها و فرآیندهای تازه‌ای از قدرت در حال پیدایش است که چه بسا ساختار نوینی از بازی قدرت میان کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای به وجود آورد. فارغ از ارزش ژئوپلیتیکی این منطقه یک عرصه ژئوپلیتیک برای ایران در هم‌آوردی با سایر رقبای منطقه‌ای آن قلمداد می‌شود، لذا از دست دادن عمق استراتژیک در این منطقه بر قدرت مانور ایران در رقابت با سایر هم‌آوردان منطقه‌ای اثری سلبی بر قدرت کنشگری آن خواهد گذاشت (حاج‌زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۲۵).

## مبانی نظری

کشورهای ترکیه و ایران به عنوان دو قدرت اثرگذار در غرب آسیا، به دنبال دستیابی به جایگاه قدرت منطقه‌ای در حال رقابت و کشمکش هستند. هر دو جزو قدرت‌های متوسط جهانی و قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای‌اند که تا کنون به مرحله قدرت منطقه‌ای مبین ثبات برای نظام منطقه‌ای، نرسیده‌اند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰). ترکیه در پی افزایش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی خود و دستیابی به اهداف و منافع خود است (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۳). ترکیه متحد سرسخت و محور اصلی ناتو در قفقاز و آسیای مرکزی، به روابط نزدیکی با کشورهای تازه استقلال یافته نیاز مبرمی دارد (حاج‌زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۲۹). اصول سیاست خارجی ترکیه پس از شروع قرن بیست و یکم، این کشور را از حالت انزوا خارج کرده و در کنار اتخاذ سیاستی فعال خواهان تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی است. این کشور خود را در شاهراه جهانی شرق و غرب می‌بیند و به دنبال احیای امپراتوری شکست خورده خود است. از این رو نظریه عمق استراتژیک نظریه‌ای است که این کشور در سیاست خارجی خود دنبال می‌کند.

**عمق استراتژیک:** سیاست خارجی و اهداف ترکیه از سال ۲۰۰۲ به بعد توسط احمد داوود اوغلو نظریه پردازی شد. نظریه وی با عنوان عمق راهبردی/استراتژیک<sup>۱</sup> سر مشق سیاستمداران ترک قرار گرفت. او معمار سیاست خارجی جدید ترکیه است و سال‌ها به عنوان وزیر خارجه و نخست وزیر در این کشور فعالیت کرد (Perthes, 2010: 2&3). عقاید وی به عنوان کتاب «عمق راهبردی» راهنمای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان شد. این نظریه بر مبنای ژئوپلیتیک و بر ظرفیت‌های بالقوه ترکیه در ابعاد جغرافیایی، تاریخی و هویتی استوار است. به اعتقاد وی ترکیه به علت موقعیت جغرافیایی و تاریخ ویژه خود، دارای عمق استراتژیک است. ترکیه به عنوان کشوری مرکزی در سیاست جهانی در نظر گرفته می‌شود که حوزه نفوذ چشمگیری در مناطق جغرافیایی مجاور خود و حتی فراتر از آن دارد. این دیدگاه به عنوان سیاست اعلامی ترکیه بر چند اساس برقرار است که مشتمل بر؛ به حداقل رساندن تنش با همسایگان، سیاست خارجی چند جانبه گرا، تاکید بر اهمیت میانجی‌گری ترکیه در مناقشات و امنیت زدایی از سیاست خارجی، تلاش برای احیای نقش تاریخی و اجرای سیاست‌های نوع‌ثمنی‌گری است (داووداوغلو، ۱۳۹۵). اگرچه اقدامات ترکیه در قبال همسایگانی مانند ایران یا سوریه به ظاهر با گزاره به حداقل رساندن تنش با همسایگان در تضاد است اما شالوده اصلی نظریه همچنان در سیاست خارجی ترکیه مورد وثوق است. از طرفی منافعی مانند احیای امپراتوری عثمانی یا همان نوع‌ثمنی‌گرایی در اصل موجب ایجاد چنین تضادهایی است.

داود اوغلو بر این باور است که؛ ترکیه نقش رهبری خود را بر مناطق پیرامون اعمال کند تا اهمیت استراتژیک در سطح جهانی کسب کند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۸). با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی ترکیه این کشور شاه‌رگ اصلی بشریت را شکل می‌دهد و عناصر فرهنگ، جغرافیا، سیاست جغرافیایی [ژئوپلیتیک] و اقتصاد جغرافیایی ترکیه زمینه عمق راهبردی این کشور را تشکیل می‌دهند. ترکیه دارای زیر ساختی ریشه‌ای است که می‌تواند ظرفیت قدرت جمعی‌اش را از لحاظ داده‌های ثابت نظیر تاریخ، جغرافیا، جمعیت و فرهنگ به قدرت واقعی بدل کند. جوامعی که از بحران‌ها و تقسیم‌شدگی‌های خود بتوانند قدرت تولید کنند، امتیاز و حق نشان دادن وزن خود را نیز در تاریخ به دست می‌آورند. ترکیه با اعتماد به نفس و بلندپروازی ضمن گشایش به بیرون می‌تواند عناصر بحران را به عناصر قدرت تبدیل کند. شکل‌گیری ترکیه بر روی اندوخته‌های عثمانی سیاست جغرافیایی، اقتصاد جغرافیایی و فرهنگ جغرافیایی به عنوان تمامیتی در چهارچوب خود دارد. سیاست خارجی ترکیه با ارتباط نزدیک خشکی، نزدیک دریایی و نزدیک قاره‌ای باید بر اندوخته‌های عثمانی به عنوان مولفه‌های سیاست خارجی این کشور مد نظر قرار گیرند. این امر منجر به ایجاد شرایط مناسب‌تر مجموعه تحولات پایدار بین‌المللی بر اساس موازنه‌های جدید خواهد شد که باعث افزایش قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی ترکیه می‌شود. برای راهبرد دراز مدت، روند نوسازی فراگیر مساله هویتی ترک را به عنوان عنصر اساسی زیر ساخت فرهنگ جغرافیایی ضروری است (داووداوغلو، ۱۳۹۵: ۵۲۸-۵۴۱). با نگاهی به سیاست خارجی ترکیه قبل از ۲۰۱۱ مشخص می‌شود که دکتر احمد داود اوغلو در اغلب موارد اجرایی شده است. به نظر می‌رسد نتایج نظریه عمق راهبردی در عرصه سیاسی ایران و ترکیه ظهور و بروز شدیدتری پیدا کرده است. در زمینه‌های ایدئولوژیکی، ناسیونالیستی، اقتصادی و ژئواکونومیک، جنگ‌های منطقه‌ای رقابت و تنش دو کشور موجب تزامم منافع بر پایه این پدیده‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز گردیده است. این پژوهش در بررسی تزامم منافع به تحلیل و تتبع این پدیده‌های بیان شده، پرداخته است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف ارائه تحلیل جامع از تزامم منافع ژئوپلیتیکی ایران و ترکیه به استخراج مولفه‌های ژئوپلیتیکی این موضوع می‌پردازد. روش تحقیق حاضر از نوع کیفی بوده و استراتژی تحلیل داده‌ها از نوع استقرایی است. براین اساس، با استفاده از

رویکرد توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی-کتابخانه‌ای و با مطالعه کتب، مقالات و همچنین منابع اینترنتی به استنتاج از بحث پرداخته شده است.

### بحث و یافته‌ها

آسیای مرکزی و قفقاز در تقاطع آسیا، اروپا و خاورمیانه قرار دارد. شامل کشورهای ارمنستان، آذربایجان، گرجستان ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان است. مساحت آن حدود چهار میلیون کیلومتر مربع و بیش از ۷۸ میلیون نفر جمعیت دارد. ذخایر انرژی منطقه بین ۱۷/۲ تا ۴۹/۶ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود. ۲۰/۱ تریلیون متر مکعب نیز تخمین منابع گازی منطقه است (احمدی موسی‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۳) اکثر کشورها، دارای منابع معدنی غنی ولی محصور در خشکی و استقلال یافته از شوروی هستند. شاخص توسعه کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز کم و بیش در سطح متوسط قرار دارد. وجه مشترک اکثر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز علاوه بر جمهوری‌های جدا شده از شوروی، ترک‌زبان بودن و اشتراکات تاریخی، فرهنگی و نژادی با ترکیه، موقعیت ژئوپلیتیکی و ترانزیتی وجود ذخایر نفت و گاز است (Sahin, 2020: 503).

ترکیه در جهت شمال-جنوب با الحاق کشورهای اوراسیا به آب‌های گرم و آفریقا، دو منطقه خشکی بالکان و قفقاز و یک منطقه گذرگاه دریایی شامل تنگه‌های استراتژیک ترکیه به تلاقی رسیده و این مناطق را به خاورمیانه به عنوان مرکز منابع ژئواکونومیک و منطقه خزر متصل می‌کند. در جهت شرق و غرب نیز شبه‌جزیره آناتولی را به بخش اصلی اوراسیا متصل می‌کند (Yükselen, 2020: 12).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، منجر خلا استراتژیک در آسیای مرکزی و ایجاد حرکت پرشتابی را میان سه رقیب منطقه‌ای تاریخی یعنی روسیه، ترکیه و ایران سبب شد. این رقابت‌ها به علت اهمیت اقتصادی و استراتژیک منطقه به شمار می‌رود (AI- Nouimat & et al, 2019: 2). ترکیه با بهره‌گیری از اشتراکات تاریخی، فرهنگی، نژادی و زبانی با جمهوری‌های منطقه، در تلاش است که نه تنها خود را رهبر بالقوه ترکی در قلب اوراسیا بنمایاند، بلکه همانند واسطی میان جمهوری‌های جدا شده از شوروی و غرب عمل کند. جمهوری اسلامی ایران نیز با اتکاء به زمینه‌ها و اشتراکات تاریخی و علائق فرهنگی این ملت‌ها و عرصه‌های اقتصادی گشوده شده جدید در منطقه به دنبال توسعه نفوذ همه جانبه خود است. آنچه روشن است، ظهور ترکیه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، به ویژه فرهنگی و زبانی، چالشی جدی برای سیاست خارجی ایران در منطقه بشمار می‌رود (Sinkaya, 2019: 13). در ادامه نقشه آسیای مرکزی و قفقاز به تصویر کشیده شده است. همان‌طور که در نقشه قابل مشاهده است، موقعیت جغرافیایی ایران به نسبت ترکیه با منطقه مزبور دارای مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک است. کشورهای منطقه از ایران می‌توانند به عنوان کریدور استفاده کنند و خود را از انزوای جغرافیایی برهانند. با این اتفاق نه تنها انزوای جغرافیایی آن‌ها بر طرف می‌شود و به آب‌های آزاد و به بازارهای اقتصادی متنوع دسترسی پیدا می‌کنند، بلکه اهمیت ژئوپلیتیکی ایران نیز افزایش پیدا خواهد کرد.





شکل ۱. نقشه آسیای مرکزی و قفقاز

منبع: (ترسیم از نگارندگان)

ترکیه با استفاده از نظریه عمق استراتژیک به دنبال تبلیغ مدل ترکی و تاکید بر پیوندهای قوم ترک، سکولاریسم، ادغام در موسسات اقتصادی و سیاسی غربی تاکید دارد. این کشور توانست روابط مطلوبی با آذربایجان و گرجستان در قفقاز، با ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان در آسیای مرکزی ایجاد کند. در مقابل ایران توانست روابط خود با تاجیکستان و ارمنستان را تا حدودی بهبود یابد (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۷). از این رو روابط ایران و ترکیه به نوعی دارای ابعاد رقابتی شد و تزامم منافع ژئوپلیتیکی دو کشور مانع همگرایی در منطقه شد و وجوه اصلی این تزامم در عرصه‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، سیاسی و ناسیونالیسی، اقتصادی و جنگ دوم آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ متبلور و متمرکز است. در ادامه به بررسی و تحلیل این عوامل پرداخته می‌شود.

**عرصه سیاسی و ایدئولوژیکی:** ترس از خلا ایدئولوژیکی ناشی از فروپاشی شوروی و باور به اینکه بنیادگرایی اسلامی در میان مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند الگوی مردم این کشورها شود، غرب را بر آن داشت تا ترکیه را به عنوان یک الگوی مسلمان و در عین حال سکولار و دموکراتیک معرفی کند. نتیجه این حمایت افزایش اعتماد به نفس ترکیه نسبت به پتانسیل‌های خود شد تا از این فرصت‌ها در منطقه استفاده کند (Aydın, 2007: 70). از این رو، ترکیه بر اساس دکترین عمق استراتژیک، خواستار تبدیل شدن به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای و احیای امپراتوری عثمانی است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۸). با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ و احیای فعالیت‌های اسلامی در ترکیه تنش‌های ایدئولوژیکی ایران و ترکیه افزایش پیدا کرد و هر کشور قصد رهبری جهان اسلام را داشت. رقابت دو کشور در جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی نیز جنبه ایدئولوژیکی پیدا کرد (Sinkaya, 2019: 12). در واقع مفهوم احزاب اسلام‌گرا همانطور که از نام آن مشخص است، بر ایدئولوژی تمرکز داد و در برنامه‌های حزبی این احزاب بر آن تاکید می‌شود (Mantilla, 2021: 20).

تصادف‌های ماهوی منجر به اختلاف ایدئولوژیک بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه شد. روابط دو جانبه کشورها در اواخر دهه ۸۰ میلادی تحت الشعاع قرار گرفت. شرایط لفاظی‌های سیاسی منجر به خارج کردن سفرای خود از کشور مقصد در سال ۱۹۸۹ شد (Sinkaya, 2019: 19). «نوعثمانیسم» و بازگشت به هویت عثمانی، استراتژی سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بر اساس نظریه عمق استراتژیک است. نمود آن سیاست خارجی ترکیه پس از خیزش‌های عربی است که خود را رقیب جمهوری اسلامی ایران می‌دید (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵). پس از خیزش‌های عربی، روابط ایران و ترکیه به دلیل حمایت از اردوگاه‌های متفاوت به سردی کشیده شد و نتایج آن را در آسیای مرکزی و قفقاز نمود پیدا کرد (Balla, 2013: 3). به طور کلی، ترکیه پیرامون اتحاد ترک‌ها به دنبال اشاعه حکومت غیر دینی در بین کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی است. این مدل حکومتی که در پی جدایی دین از سیاست است، به طور عملی در تضاد با مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران است (کاظم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰: ۳۰).

در نگاه جمهوری اسلامی ایران هویت اسلامی به جای هویت ملی قرار می‌گیرد. اندیشه‌های اسلامی انقلاب، مصالح اسلامی بر منافع ملی مرجع می‌شود و سویه‌های مادی کم‌رنگ‌تر می‌گردد. تهدیدها به اعتبار میزان شدت و توان آسیب‌زایی نسبت به تمامیت و هویت ارزشی نظام تشریح و تجزیه می‌شود. در نتیجه، این گفتمان به دنبال پیگیری و تحصیل منافع مسلمانان خارج از قالب دولت ملی خود با دیگر کشورهای منطقه پیوند برقرار می‌کند. مبادرت ایران در راستای بسط انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی، دفاع از شیعیان و مسلمانان، نبرد با استکبار، سلطه ستیزی، دگرگونی نظم منطقه‌ای و وحدت مسلمانان است (کاظم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰: ۲۸). سیاست ایران در منطقه اساساً به دنبال کاهش نفوذ غرب در منطقه است. این سیاست مبتنی بر عمل‌گرایی و به دنبال ایجاد روابط با کشورهای این حوزه است. استراتژی ایران مبتنی بر بازدارندگی و رقابت با آمریکا در منطقه است (Balla, 2013: 2). ترکیه و اسرائیل نیز با بهره‌گیری از مزایا و توانمندی‌های خود توانسته‌اند جهت تعقیب منافع و اهدافشان در منطقه حضوری پر رنگ داشته باشند (کامران‌دستجردی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰). تقابل ایران و ترکیه در عرصه سیاسی و ایدئولوژیکی شکل گرفته است.

مستفید بودن ایران و ترکیه از نظام‌های سیاسی، نگرش‌ها و ساختارهای متفاوت و ایدئولوژی مختص حاکم بر هر یک از این دو کشور در نوع نگاه این دولت‌ها به دنیای خارج و روابط سیاسی آن‌ها تاثیر بسزایی گذاشته است. ترکیه دارای دولتی سکولار و نظامی لائیک با جهت‌گیری غربی است و در مقابل جمهوری اسلامی ایران دارای دولتی ایدئولوژیک، مذهبی و انقلابی با جهت‌گیری اسلامی است. این گونه ساختارها، سبب پیدایش اختلاف‌های محسوس میان این دو بازیگر شده است. دولت ترکیه به علت گرایش غربی خود و اهتمام به منظور عرضه یک نظام غیر دینی، یکی از کشورهای صدر مهار نفوذ بنیادگرای اسلامی، در نظر دولت‌های اروپایی و آمریکایی قلمداد می‌شود. اختلاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک میان ایران و ترکیه، همکاری‌های اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز که در چارچوب اکو انجام می‌شود را تا حدود زیادی دچار اختلال می‌کند. اختلاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک دو کشور بر مناسبات ایران و برخی کشورهای منطقه سایه افکنده است. ترکیه به عنوان مدعی یک ایدئولوژی ضد دین (سکولار) به دنبال رویارویی با ایدئولوژی مذهبی جمهوری اسلامی ایران است و در این جهت تکاپوی فراوانی می‌کند تا کشورهای منطقه و عضو سازمان اکو، از ایران دوری کنند و به غرب تمایل پیدا کنند.

**عرصه سیاسی و ناسیونالیستی:** ترکیه به دنبال تبدیل شدن به یک بازیگر اصلی سیاسی در جهت اهداف خود در منطقه است. جمهوری‌های آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان همسانی فرهنگی و زبانی با ترکیه دارند (حاج‌زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۳۲). این کشور در جهت افزایش نفوذ در منطقه از ابزارهای قدرت نرم استفاده می‌کند. ترکیه سازمان بین‌المللی فرهنگ ترکی را در سال ۱۹۹۳ پس از فروپاشی شوروی ایجاد کرد. این سازمان به تاریخ، زبان و فرهنگی ترکیه می‌پردازد. به دانشجویان آسیای مرکزی بورسیه اعطا می‌کند. همچنین دانشگاه بین‌المللی هوکا احمد یسوی ترکیه-قزاق



در قزاقستان و دانشگاه ترک-قرقیزستان ماناس در قرقیزستان را افتتاح کرد. در ادامه آنکارا آژاس همکاری و توسعه ترکیه را برای کمک‌های توسعه‌ای به آسیای مرکزی تاسیس کرد. در دو دهه اخیر منطقه شاهد افزایش این دست‌آزنس‌ها و نهادهایی بود که موجب افزایش قدرت نرم ترکیه در عرصه سیاسی و ناسیونالیستی می‌شود (Sahakyan, 2021: 20).

مواجهه ذهنیت قومی و نژادی در قفقاز و ذهنیت‌های پان‌ترک و پان‌توران از بحران‌های ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است. با توجه به روابط ترکیه با کشورهای مناطق مزبور، ساختار لائیک حکومتی کشورها، طیف‌های با زبان مشترک و وجود آزادی‌های مذهبی به اتباع کشورهای همسایه و اجتناب از دخالت دین در سیاست، نقش نژاد و زبان را در مقابل دین و مذهب تقویت می‌کند. رویکرد الحاق‌گرایانه قومی آذربایجان نیز موجب چالش جدید جغرافیای سیاسی ایران در منطقه شده است و برخی نیز معتقدند این افکار توسط سرویس‌های امنیتی آذربایجان هدایت می‌شود (کاظم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰: ۳۶).

ترکیه اولین کشوری بود که جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت. آذربایجان نیز سال‌ها در ایده آذربایجان بزرگ به سر می‌برد. ایران نیز ترکیه را به پان‌ترکیسم و تحریک چنین احساساتی متهم کرده است. این نگرانی‌ها با شعارهای ملی‌گرایی دومین رئیس‌جمهور آذربایجان «ایلچی بیگ» تشدید شد و تا به امروز ادامه دارد (Aydın, 2007: 71). اولویت کشور ترکیه در منطقه قفقاز بیش از همه، کشور آذربایجان است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). ترکیه بر اثر اشتراکات قومی و فرهنگی با آرمان اتحاد ترک‌ها، در وارد کشور آذربایجان شد. ترکیه به عنوان تنها حامی این گونه دیدگاه، به منظور این اتحاد از آذربایجان حمایت کرده و این کشور نقشی مخالف منافع ایران ایفا می‌کند. اهتمام ترکیه برای تکوین اتحاد کشورهای ترک‌زبان قفقاز و آسیای مرکزی با ترکیه در گردهمایی‌های سیاسی رهبران این کشورها از سال ۱۹۹۲ به بعد برگزار می‌شود، نمود یافته است (کاظم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰: ۳۰). حمایت آشکار و مستقیم نظامی ترکیه از آذربایجان برای رفع تنگناهای جدایی‌سرزمینی از طریق اشغال منطقه منگری و زنگزور ارمنستان و اتصال منطقه خودمختار نخجوان به خاک اصلی آذربایجان خطرات ژئواستراتژیک زیادی برای ایران دارد، چرا که موجب یکپارچگی سرزمین آذربایجان و اتصال نخجوان به آذربایجان می‌شود. در این صورت نقش و کارکردهای معبری ایران کم‌رنگ و حتی زایل خواهد شد. این امر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل تنش‌زا میان ایران و ترکیه محسوب شود. از طرف دیگر اختلاف و یا قطع ارتباط ترانزیتی ترکیه و نخجوان به آذربایجان و برعکس می‌تواند موجب واکنش ترکیه و در این رابطه گردد (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۶۱).

اگرچه حمایت ترکیه از یک جنبش آذربایجانی مستقل و توسل به زمینه‌های قومی و نژادی می‌تواند عمده‌ترین منشا بحران در منطقه مرزهای غربی و شمال غربی ایران گردد (احمدی‌پور، ۱۳۷۵: ۴۵)، اما ترکیه بدون توجه به این مساله، کم و بیش با حمایت از اندیشه‌های انضمام گرایانه پان‌ترکیستی آذربایجان و حتی مطرح شدن مباحثی در رابطه با تعلق اراضی آذربایجان به ترکیه، به واسطه اینکه خاک همه مناطق ترک‌نشین، متعلق به ترک‌ها است، زمینه‌های نگرانی ایران را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، ایالات متحده و اسرائیل سخت در تلاشند تا با استفاده از برخی مولفه‌ها در ترکیه و جمهوری آذربایجان، در همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو کشور ایران و آذربایجان اختلال ایجاد کنند. با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان، کشور به نسبت کوچکی است با میزان چشمگیری از دلبستگی به روابط نزدیک با ایران و ترکیه، اما دلبستگی جمهوری آذربایجان به ترکیه، اغلب راه را برای اخلاص‌گری‌های آمریکایی-اسرائیلی با استفاده از عوامل بیان شده در ترکیه هموار می‌سازد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۰۱). پس گرفتن سهام پنج درصدی ایران در کنسرسیوم نفتی آذربایجان توسط دولت‌مردان آن کشور را می‌توان یکی از مهمترین عرصه‌های اخلاص‌گری بازیگران فرامنطقه‌ای در روابط ایران و آذربایجان به شمار آورد. اهداف ناسیونالیستی ترکیه، حتی موجب نوعی جبهه‌بندی گروه فارس‌زبان‌ها و گروه ترک‌ها در چارچوب کشورهای عضو آکو شده است و این کشور سعی در ایجاد گرایش پان‌ترکیسم در کشورهای ترک‌زبان عضو این سازمان دارد. این مساله علاوه بر اخلاص در تعاملات اقتصادی اعضا و همکاری‌های آن‌ها نیز مشکل‌ساز شده است.

ایران همیشه ترکیه را به اقدامات پان‌ترکیستی و پیگیری مستمر آن محکوم کرده است (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۰). اشاعه اندیشه‌های پان‌ترکیسم و پشتیبانی از افکار ناسیونالیسم کشور آذربایجان و نابسامانی در روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز یکی از رویه‌های متداول سیاسی دولت ترکیه است. علاوه بر این، اعمال قدرت و نفوذ بر روابط کشورهای منطقه با ایران، به خصوص در خصوص کشور آذربایجان از دیگر اهداف ترکیه به حساب می‌آید. در دهه هشتاد، به علت بسته بودن منطقه، امکان پیگیری مساله ترک‌ها و ترویج اندیشه پان‌ترکیسم وجود نداشت، منتها در دهه نود با گشایش مسیرهای نفوذ در منطقه برای ترکیه، این کشور با گردش در دستورالعمل سیاست خارجی خود، مجدداً آرمان کشور بزرگ ترک و یکپارچگی سرزمینی برای ترک‌ها را آغاز کرد. استقلال جمهوری آذربایجان، عصر نوینی را برای حامیان ناسیونالیسم ترک و سیاستمداران پیرو این اندیشه و هواداران سیاست یکپارچه‌سازی قومی آذری در دو بخش شمالی و جنوبی ارس مهیا کرد. پان‌ترک‌های آذربایجان که به نوعی، در مسیر اغراض ترکیه حرکت می‌کردند، از حمایت‌های ضمنی این کشور برخوردار شدند. از جمله مسائل غامضی که بر روابط ایران و ترکیه در حوزه قفقاز تاثیر منفی گذاشته، سیاست‌های پان‌ترکیستی ترکیه است. این موضوع با جمهوری آذربایجان و نواحی آذری‌نشین ایران پیوستگی دارد. ترکیه با تاسیس «مرکز تحقیقات ترکیه بزرگ» دست به فعالیت مبسوطی زده است. (رنجبر، ۱۳۷۸: ۲۲۳). ایران نیز به دنبال کاهش نفوذ بیشتر ترکیه در خارج نزدیک و خارج دور با سیاست‌های نوع‌نمائی‌گرایی و تلاش برای احیای نظم اخوانی، به مقابله پرداخته است. اما با توجه به دکترین عمق استراتژیک ترکیه، تزاخم منافع در عرصه سیاسی و ناسیونالیستی به نوعی جدی شده که دو کشور خود را مقابل یکدیگر می‌بینند. به نظر می‌رسد تنها استراتژی برای مقابله استفاده از قدرت نرم و اتحادهای اقتصادی باشد که طیف‌های درونی کشورهای منطقه، به یک کشور احساس وابستگی کنند و خود را به آن نزدیک ببینند.

**عرصه اقتصادی:** برجستگی ژئواکونومیکی منطقه خزر افزون از هر موضوعی به پشتوانه انرژی آن بر می‌گردد. وجود منابع انرژی نفت و گاز در دریای خزر در سال‌های پیش از فروپاشی شوروی شرایط را برای همآوری بزرگی فراهم کرد که یادآور بازی بزرگ است (کولایی، ۱۳۸۹: ۴۴۷). یکی از موانع همگرایی کشورهای خزر، عدم تعیین رژیم حقوقی درست در موضوع کشف و استخراج منابع نفتی و گازی است (کاظم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰). همین امر موجب اختلاف کشورهای حوزه خزر بر سر منابع انرژی شد و کشورهای ترک‌زبان با پشتیبانی ترکیه، به دنبال استفاده از منابع و دریای آن، رقابت بر سر خطوط انتقال انرژی با ایران هستند. ترکیه به جهت موقعیت خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خود در مجاورت آب‌های آزاد و اتصال به اروپا و از طرفی منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، به عنوان یگانه کشور مسلمان همپیمان ناتو، به دنبال اتصال مناطق مزبور با کشورهای اروپایی و دریای آزادی است. هدف استراتژیک آن نیز انتقال انرژی مانند نفت و گاز به بازارهای جهانی است که موجب تامین انرژی در داخل و کاهش وابستگی به انرژی جنوب غرب آسیا و افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور می‌شود. همچنین این امر موجب افزایش کیفیت اقتصاد این کشور و اتصال آن به بازارهای جهانی در چارچوب فضای جریان‌ها است. تمامی این عوامل ترکیه را به شاهره تجاری و انرژی مهمی تبدیل می‌کند که با استفاده از پدیده‌های مانند ناسیونالیسم و پان‌ترک به دنبال افزایش نفوذ ژئوپلیتیک خود در آسیای مرکزی و قفقاز است (احمدی‌موسی‌آباد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۶). رقابت بر سر منافع اقتصادی و ژئواکونومیک که جزو بارزترین وجه تقابل ایران و ترکیه در منطقه است. مهمترین تجلی‌گاه آن، چالش مربوط به خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز، بازارهای مصرف اروپا، مبادلات تجاری و سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اصلی به است (سلطانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۰). اهتمام هر دو کشور برای استحصال مطلوب از موقعیت و فضای جغرافیایی خود، بهره‌برداری از جمیع امکانات داخلی و خارجی در راستای حذف دیگر گزینه‌های پیشنهادی است. وجود منابع عظیم نفت و گاز در منطقه از یک طرف و نیازمندی بازارهای مصرف دنیا و دولت‌های غربی به منابع ارزان انرژی از طرف دیگر موجب دخالت و رقابت پیچیده بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در راستای تحصیل منافی از سود سرشار منابع نفت و گاز شده است. افزایش اهمیت سیاسی و اقتصادی منطقه در معنای حقیقی، مسبب ایجاد یک منطقه ویژه ژئوپلیتیک شده است. جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ

منافع خود معتقد است حوزه ژئوپلیتیک خزر یک واحد منطقه‌ای بوده که مقدرات آن باید به دست کشورهای منطقه و به دور از دخالت نیروهای مداخله‌گر انجام پذیرد. اما ورود قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به منابع سرشار انرژی در منطقه، از جمله دلایل بین‌المللی شدن موضوع و تبدیل آن به عرصه رقابت ایران و آمریکا و یا همپیمانان منطقه‌ای این کشور از جمله ترکیه شده است (دهقان طرزجانی، ۱۳۷۸: ۶۸). البته ترکیه به دنبال کاهش مصرف انرژی‌های فسیلی و افزایش مصرف انرژی‌های تجدید پذیر است. برنامه این کشور در دهه ۲۰۰۰ میلادی آغاز شده و قصد دارد تا سال ۲۰۴۰ بیشتر انرژی خود را از پل‌های خورشیدی و انرژی‌های سبز تامین کند (Erat & Telli, 2020: 8). این امر متناقض با اهمیت انرژی آسیای مرکزی و قفقاز نیست و کماکان ترکیه قصد دارد خود را شاهراه ترانزیت کالا و انرژی بین شرق و غرب ببیند.

رقابت بر سر منافع اقتصادی یکی از مولفه‌های تزامم منافع ژئوپلیتیکی است. این در حالی است که بر اساس آخرین آمار، تولید ناخالص داخلی در ترکیه برابر با ۹۰۵,۹۹ میلیارد دلار و ایران ۳۸۸,۵۴ میلیارد دلار بوده است (Worldbank, 2023). با این حال ترکیه تلاش بیشتری برای کسب منافع اقتصادی به خصوص از جانب آسیای مرکزی و قفقاز دارد. در نمودار زیر مقایسه تولید ناخالص داخلی ایران و ترکیه از سال ۱۹۷۹ میلادی الی ۲۰۲۲ به تفکیک بررسی شده است.

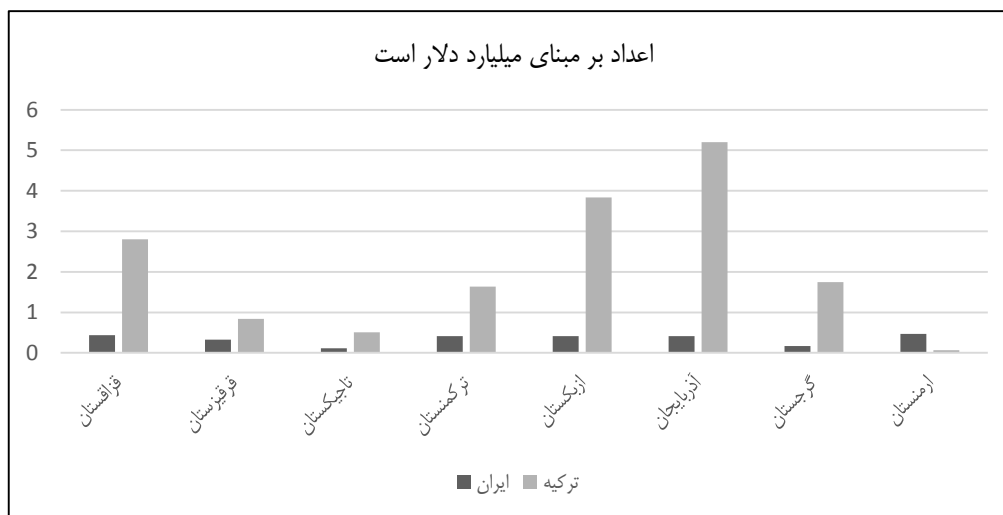


شکل ۲. مقایسه تولید ناخالص داخلی دو کشور بین سال‌های ۱۹۷۹ الی ۲۰۲۲

منبع: (یافته‌های پژوهش)

در موضوع میزان ذخایر نفت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، قزاقستان رتبه ۹، آذربایجان ۱۴، ازبکستان ۴۲، ترکمنستان ۴۳ و ذخایر گاز قزاقستان ۱۱، ترکمنستان ۱۳، ازبکستان ۱۶ و آذربایجان رتبه ۱۹ جهانی را دارا است (احمدی‌موسی‌آباد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۰). رقابت ایران و ترکیه در مورد انتقال منابع انرژی منطقه به بازارهای جهانی، در کنار رقابت ترکیه و روسیه در منطقه تاریخی و حیات خلوتش، جدی‌ترین چالش‌ها را در خصوص نحوه اتصال منابع مذکور، میان این سه کشور و حامیان فرامنطقه‌ای آنان سبب شده است. در میان سه کشور فوق، ترکیه به دلیل نداشتن منابع انرژی و نیازش به انرژی ارزان قیمت آسیای مرکزی و قفقاز با هدف شاهراه جهانی شدن بر اساس نظریه عمق استراتژیک و برخورداری از پشتیبانی ایالات متحده آمریکا، تکاپوی زیادی را مصرف ترجیح دادن مسیر انتقال انرژی از سوی کمپانی‌های نفتی و طرف‌های ذی‌نفع داشته است. اردوغان پس از انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ترکیه در سفری که به آذربایجان داشت اظهار کرد: «گشایش کریدور زنگزور مساله‌ای با ایران است نه ارمنستان، موضع ایران ما و آذربایجان را ناراحت کرده است» (Alizade, 2023). این اظهارات در

حالی است که مقامات ارمنستان بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده‌اند (فارس، ۱۴۰۲). ایجاد این کریدور باعث قطع ارتباط مرزهای ایران و ارمنستان می‌شود و موجب دسترسی بلامانع باکو به جمهوری خود مختار «نخجوان» می‌گردد. روشن است که ترکیه خود را رقیب ایران در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه می‌بیند و با نگرش حاصل جمع صفر قصد دارد نفوذ خود را در کشورهای منطقه به هر شکل ممکن افزایش دهد. با احداث کریدور زنگزور عملاً نقش ایران در آسیای مرکزی و به خصوص قفقاز کم‌رنگ خواهد شد. ترکیه آگاه است که بنیان قدرت دیگر نه فقط وجه نظامی بلکه وجه اقتصادی و فناوری نیز است و محور دیپلماسی نه صرف تمرکز بر زمینه‌های سیاسی و نظامی همچنین تمرکز بر ارتباطات اقتصادی نیز است. این کشور در تلاش است برای تقویت قدرتش، بر اقتصاد جهانی از شیوه نفوذ بر کشورهای دارای انرژی و کنترل مسیرهای ترانزیتی من جمله انتقال انرژی آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا با اتخاذ الگوی رفتار سیاسی واقع گرایانه، از انرژی و مسیرهای ترانزیتی به سان ابزار اعمال قدرت و نیز هدف کسب قدرت ژئوپلیتیکی و تحصیل ثروت بهره برداری کند (Gide, 2020: 142). رقابت دو کشور ایران و ترکیه، موجب تعیین جایگاه نفوذ و قدرت ژئوپلیتیکی دو کشور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز می‌شود. هر کشوری که بتواند جریان‌های داخلی و اقتصاد کشورها را با خود همراه کند، پیروز این عرصه ژئوپلیتیکی است. از این رو، یکی از اهداف ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز در رقابت با ایران را می‌توان رقابت بر سر خطوط انتقال انرژی دانست. به همین جهت ترکیه سعی دارد تجارت خود را با آسیای مرکزی افزایش دهد و به عنوان شریک تجاری کشورهای منطقه شناخته شود تا این کشورها علاوه بر وابستگی‌های دیگر به اقتصاد ترکیه نیز وابسته شوند. ترکیه در دو دهه اخیر از فرصت تحریم‌های ایران استفاده کرد و سعی کرده اقتصاد خود را در کشورهای منطقه تحمیل کند. این کشورها نیز به دلیل محصور بودن در خشکی، به بازیگری نیاز داشتند که، احتیاجات آن‌ها را بر طرف کند و به بازارهای جهانی متصل باشد. از این رو، نقش اقتصادی ایران در دو دهه اخیر به طور روزافزونی کاهش یافت (OECD, 2023). در ادامه نمودار مقایسه تجارت ایران و ترکیه با کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی قابل مشاهده است.



شکل ۳. نمودار حجم تجارت ایران و ترکیه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۲۰۲۱  
منبع: (ترسیم از نگارندگان)

ترکیه و ایران طی دو دهه اخیر از بسیاری جهات نقش‌های رقابتی داشتند (Gadzhiev, 2015: 168). اما آنچه از نمودار بالا به وضوح مشخص است، تفاوت بسیار بالای حجم تجارت ایران و ترکیه با کشورهای مزبور است. ترکیه علاوه بر اتصال با بازارهای جهان و شریک مطمئن بودن به علت عدم تحریم‌ها، از نفوذ بیشتری به نسبت ایران برخوردار است. این امر نتیجتاً کاهش قدرت ژئوپلیتیکی ایران و افزایش قدرت ترکیه در بین بازیگران منطقه شده است. راهکار ایران باید افزایش حجم تجارت

با کشورهای منطقه باشد. ایران در موضوع اقتصادی تا کنون نتوانسته است به عنوان رقیب ترکیه مطرح گردد. اما با توجه به داده‌های موجود اکنون ایران توانایی رقابت با ترکیه را ندارد و این ضعف ژئوپلیتیکی نیازمند افزایش توانمندی‌های ایران در امور اقتصادی و حضور در فضای جریان‌ها است تا بتواند خود را از انزوای ژئوپلیتیکی فعلی برهاند و نقش فعالی در آسیای مرکزی و منطقه ایفا کند. در این صورت، ایران خواهد توانست در عرصه‌های ناسیونالیستی و ایدئولوژیک نیز به رقابت با ترکیه بپردازد.

**جنگ قره‌باغ:** قره‌باغ از حاصل‌خیزترین و استراتژیک‌ترین ارتفاعات قفقاز جنوبی است و همواره موضوع نزاع آذربایجان و ارمنستان بوده است. با استقرار نیروهای نظامی در این ارتفاعات، مسیرهای ارتباطی جمهوری آذربایجان در دشت‌های پیرامونی همچون مسیر ارتباطی شمالی-جنوبی آق‌دام به گنجه در تیر رس توپخانه با دید ممتاز قرار دارد. همواره در افکار عمومی مردم و احزاب و مقامات دولتی آذربایجان، همکاری‌های ایران و ارمنستان را سبب خروج این کشور از انزوای ژئوپلیتیکی و خروج ارمنستان از محاصره اقتصادی و تقویت مواجهه با جمهوری آذربایجان می‌دانستند (کازم‌پور و محمدی، ۱۴۰۰: ۳۵).

جنگ بین آذربایجان و ارمنستان از اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور پراکنده ادامه داشت. یعنی هنگامی که در می ۱۹۹۱ قره‌باغ کوهستانی عملاً به ارمنستان ملحق شد. در سپتامبر ۲۰۲۰ آذربایجان با حمله مسلحانه برای بازپس‌گیری اراضی تحت اشغال ارمنستان اقدام کرد. این امر به دلیل آن بود که آذربایجان متحدان جدید و قابل اعتمادی پیدا کرده بود. این کشور تسلیحات پیشرفته‌ای را از اسرائیل تأمین کرد و از حمایت کامل ترکیه برخوردار شد. نتیجه این جنگ شکست نیروهای ارمنستان بود (Hedlund, 2023: 3). این جنگ را اصطلاحات جنگ ۴۴ روزه یا جنگ دوم قره‌باغ می‌نامند. پیوستگی فضایی-سرزمینی و پیوندهای تاریخی و مذهبی بین ایران و منطقه قفقاز جنوبی باعث توجه ایران به این منطقه شده است. از مسائل حساس این منطقه، بحران ژئوپلیتیکی قره‌باغ است. مجاورت بحران در مرزهای ایران به نوعی با امنیت سرزمینی و ملی ایران گره خورده است (ذکی و پاشالو، ۱۳۹۶: ۱۴۷). یکی از نگرانی‌های ایران تقویت آذربایجان و راه‌اندازی کریدور زنگرور است. بیش از ۲۰ میلیون آذری در ایران زندگی می‌کنند که عمدتاً در همسایگی ترکیه و منطقه قفقاز قرار دارند. ارتباط باکو و اسرائیل برای ایران نگران‌کننده است، به خصوص پس از تصمیم آذربایجان مبنی بر افتتاح سفارت اسرائیل (Hedlund, 2023: 6). تحولاتی مانند جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ نشان‌دهنده این است که سیاست قدرت همچنان بر مناسبات ژئوپلیتیکی در منطقه قفقاز حاکم است. ترکیه اکنون نقش بیشتری در امور قفقاز دارد لکن دیگر به عنوان تأمین‌کننده منافع غرب در منطقه تلقی نمی‌شود. واقعیت‌های ژئوپلیتیکی به سوی شرایط جدیدی در قفقاز جنوب در حال دگرگونی است که بازیگران مختلف با چالش‌ها و فرصت‌های متفاوتی مواجه هستند. هر گونه غفلت از شرایط موجب کاهش نفوذ ایران در بازی راهبردی خواهد شد. کما اینکه حضور کمرنگ ایران در تحولات اخیر قفقاز موجب افزایش نفوذ رقبای منطقه‌ای همچون ترکیه و اسرائیل شده است. بنابراین کنش منفعلانه ایران می‌تواند منجر به قطع ارتباط با ایران و ارمنستان و از دست دادن کنترل بخش مهمی از قفقاز شود (حاج‌زرگرباشی و شکری، ۱۴۰۱: ۱۴۰).

اگر ترکیه و آذربایجان در نهایت به طور کامل برنده جنگ قفقاز جنوبی در مقابل ارمنستان باشند، سرمایه‌گذاری زیرساختی در جهت تأمین انرژی از آسیای مرکزی به اروپا شکل خواهد گرفت و ترکیه به قطب بزرگ انرژی تبدیل خواهد شد. از طرفی منجر به موفقیت ایالات متحده برای بیرون راندن روسیه و ایران از معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای است. اما در صورت آن که ایران-روسیه و ارمنستان بتوانند معادلات را تغییر دهند، روسیه احتمال دارد برنده جنگ اوکراین شود و منجر به قدرت تدریجی کشورهای مزبور می‌شود و نتیجه آن مقابله با نفوذ فزاینده آذربایجان-ترکیه می‌شود. روابط تهران-مسکو عمیق می‌یابد و کریدور لاجین را نیز روسیه به دست می‌گیرد (Hedlund, 2023: 7). پس از جنگ ۴۴ روزه، نیروهای ترکیه در آذربایجان که در همسایگی آسیای مرکزی است باقی مانده‌اند. این یک فرصت مضاعف برای ترکیه در جهت گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی و کنترل پروژه‌های زیربنایی اتصال آسیای مرکزی به قفقاز است (Sahakyan, 2021: 21).

آنچه تحلیل‌گران غربی اشاره کرده‌اند این است که سیاست ایران در رابطه با حل مناقشات کشورهای تازه استقلال یافته پس از جنگ سرد را می‌توان سازنده و بدون ملاحظات ایدئولوژیک توصیف کرد. ایران در جریان درگیری‌های چین یا حل‌وفصل جنگ اول آذربایجان و ارمنستان در سال ۱۹۹۲ نقش مثبت و مسئولیت‌پذیری را ایفا کرد (Gadzhiev, 2015: 168). این امر نشان دهنده حسن ظن به ایران است که در حل‌وفصل مناقشات در مرحله ابتدایی به دنبال ایجاد صلح و همگرایی است. از این رو نمی‌توان استراتژی ایران را تنها ایدئولوژیک توصیف کرد. بلکه در وهله اول ایران به دنبال حل‌وفصل مناقشه بر اساس ظرفیت‌های درون منطقه‌ای است. آنچه در سیاست خارجی همیشه بر آن تاکید کرده است. گرجستان برای ترکیه به عنوان مسیر دستیابی به آذربایجان و آسیای مرکزی از اهمیت بسزایی برخوردار است. ترکیه برای مسیر جایگزین ژئوپلیتیکی دسترسی به آذربایجان و پس از آن آسیای مرکزی متوسل به استراتژی جذب مردم غیر ترک گرجستان بوده که قبلاً بخشی از امپراتوری عثمانی بودند. مهمترین هدف سیاسی پیش روی ترکیه در قفقاز جنوبی، مقابله با روسیه و ایران است. ترکیه و آمریکا در این زمینه اتفاق نظر دارند ولی در عین حال اختلاف نظراتی نیز دارند. در واقع، ایالات متحده به ترکیه به عنوان ابزاری برای بیرون راندن رقبای خود در منطقه علاقه دارد. اما نه به عنوان قدرتی که قادر به اعمال نفوذ خود بر روندهای سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز باشد (Gadzhiev, 2015: 163). این اختلاف نظر ناشی از استراتژی عمق استراتژیک داود اوغلو است که خط مشی سیاست خارجی ترکیه را ترتیب داده است. در این استراتژی ترکیه علاقمند به حضور و برتری کامل در این منطقه است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش سیاست خارجی ترکیه بر پایه نظریه عمق استراتژیک به دنبال راه نفوذ به آسیای مرکزی با استفاده از مسیر قفقاز است. این امر مهمترین دروازه برای این کشور به منظور توسعه مناسبات اقتصادی و روابط تجاری با مناطق مزبور است. شباهت زبانی، نژادی و قومی، چارچوب حکومت‌های سکولار، احیای ناسیونالیسم ترکی با استفاده از مفهوم پان‌ترکیسم و اشتراکات تاریخی-فرهنگی، عواملی هستند که موجب استفاده از رویکرد ژئوپلیتیکی نفوذ در کشورهای منطقه و تراحم منافع با جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. آنچه در بررسی‌های پژوهش استنباط شد، تراحم منافع شامل مولفه‌های سیاسی-ایدئولوژیک، سیاسی-ناسیونالیستی، اقتصادی و جنگ قره‌باغ است. مساله سیاسی و ایدئولوژیک از نظام‌های سیاسی، نگرش‌ها و ساختارهای متفاوت و ایدئولوژی مختص حاکم در دو کشور ایجاد شده است. ترکیه نگرشی لائیک و ایران امت محور دارد. در مساله سیاسی و ناسیونالیستی تاکید ترکیه بر موضوع قومیت و پان‌ترکیسم است. ریشه‌های این اختلاف را می‌توان تفکرات نوع‌ثمنی‌گری ترکیه دانست. در عرصه اقتصادی نیز به دلیل تحریم‌ها و عدم توجه به کشورهای منطقه، تراکنش مالی ترکیه با این کشورها بسیار زیاده‌تر از ایران است. در نهایت، جنگ قره‌باغ که دلایل ژئوپلیتیکی داشت، اختلافات را افزایش داد و عرصه تراحم به روشنی مشخص شد.

نقش‌های متفاوت و رقابت‌جویانه ترکیه و ایران موجب تراحم منافع ژئوپلیتیکی در آسیای مرکزی و قفقاز می‌شود. در نهایت الگوی رفتاری دو کشور بر تعارض، رقابت و تقابل سوق یافته است. مزیت ایران نسبت به ترکیه در این مناطق مرز مشترک ایران با کشورها در مقابل مرز چند کیلومتری ترکیه در نخجوان با آذربایجان است، از این رو می‌توان مدعی شد عملاً ترکیه مرزی با این کشور ندارد. همچنین پیوندهای سنتی ایران با مردمان ماوراء قفقاز است که بر خلاف روابط ارمنی-ترکی، احساسی از ناراضی‌ت و توهین به گذشته وجود ندارد.

تا زمانی که دو کشور به لحاظ گستره قدرت در وضعیتی مشابه قرار دارند هر گونه روابط، رفتار و تحولات یکدیگر با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را حیاتی قلمداد می‌کنند و شاهد اختلافات جدی دو کشور خواهیم بود. این چالش با افزایش قدرت یافتن ترکیه و ایران جدی‌تر خواهد شد. زیرا دو کشور با افزایش قدرت به دنبال افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود در منطقه هستند. این



نقش موجب تداخل راهبرد دو کشور می‌شود و نتیجتاً الگوی رقابت، تعارض و تقابل بین ترکیه و جمهوری اسلامی ایران افزایش خواهد یافت.

همان گونه که در بخش اقتصادی بیان شد، حجم تجارت ایران با کشورهای منطقه به نسبت ترکیه بسیار پایین است و این نشان دهنده ضعف و کاهش نفوذ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران است. جمهوری اسلامی ایران باید بتواند تجارت خود را در منطقه افزایش دهد و هدف آن جایگزینی ایران به جای ترکیه در اقتصاد کشورهای منطقه باشد. این امر تنها مزیت اقتصادی ندارد بلکه در مراتب بعدی موجب افزایش اتحادها، همگرایی‌ها و امثال آن می‌شود. نتیجتاً، مسیر رقابت ایدئولوژیک و ناسیونالیستی ترکیه با ایران غیر هموار می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران باید استراتژی سیاست خارجی خود را به نحوی تنظیم کند که با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی منطقه، تزاخم منافع خود با ترکیه را در آسیای مرکزی و قفقاز درک کند. در عین حال منافع ملی خود را در این رقابت تامین نماید. در رابطه با حل و فصل درگیری‌های درون منطقه‌ای به اذعان پژوهشگران غربی ایران نقش مثبت و فارغ از تفکرات ایدئولوژیکی داشته که این مورد منجر به نگرش مثبت به ایران و وجود تفکر مسئولیت پذیری ایران در میان کشورهای منطقه شده است. از این رو با استراتژی مناسب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران می‌تواند نقش هم‌پیمان و یا برادر بزرگتر در منطقه را ایفا کند. این امر لازم به شناخت دقیق مسائل منطقه و ارزیابی صحیح از استراتژی سیاست خارجی ترکیه است.

### تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله، حامی مالی نداشته است.

### منابع

- ۱) احمدی‌پور، زهرا؛ موسوی‌شفائی، سیدمسعود و پوردست، زهرا (۱۳۹۷). واکاوی رقابت ایران و ترکیه در بحران سوریه، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۵، شماره ۳، صص. ۹۰-۱۲۱. [https://journal.iag.ir/article\\_69793.html](https://journal.iag.ir/article_69793.html)
- ۲) احمدی‌پور، زهرا (۱۳۷۵). ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپلیتیک جدید منطقه، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص. ۵۱-۳۱.
- ۳) احمدی‌موسی‌آباد، رضا؛ محمدزاده، علی و اشرفی، احمد (۱۴۰۰). مطالعه میدانی رویکرد ژئوپلیتیک ترکیه در حوزه اوراسیا با تاکید بر منابع انرژی در منطقه قفقاز، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۶، صص. ۱۶۱-۱۷۹. [https://www.rahbordsyasi.ir/article\\_126935.html](https://www.rahbordsyasi.ir/article_126935.html)
- ۴) پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ مصطفوی، غلامعلی و ذکی، یاشار (۱۳۹۸). تحلیل مواضع ترکیه در قبال تحولات منطقه (مورد مطالعه: داعش)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۸، شماره ۴، صص. ۲۶-۴۶. Doi: 10.30479/psiw.2020.4488.1481
- ۵) حاج‌زگرباشی، سیدروح‌الله و شکری، مرتضی (۱۴۰۱). ژئوپلیتیک در حال تغییر آسیای مرکزی و قفقاز؛ جایگاه ایران در آینده توازن منطقه‌ای، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص. ۱۲۳-۱۴۴. Doi: 10.22054/QPSS.2022.66267.2993
- ۶) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۹). جغرافیای سیاسی ایران، چاپ یازدهم، تهران: سمت.
- ۷) داوداگلو، احمد (۱۳۹۵). عمق راهبردی، ترجمه محمدحسین نوحی‌نژادممقانی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- ۸) دهقان طرزجانی، محمد (۱۳۷۸). اولویت‌ها و منابع تهدید منافع ملی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۱۴، شماره ۱۴۵-۱۴۶، صص. ۶۸-۸۳. <https://www.noormags.ir/view/fa/magazine/number/5252>
- ۹) ذکی، یاشار و پاشالو، احمد (۱۳۹۶). عملکرد میانجی‌گری جمهوری اسلامی ایران در بحران ژئوپلیتیک قره باغ، فصلنامه علمی جغرافیا، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص. ۱۵۰-۱۳۳. [https://mag.iga.ir/article\\_254317.html](https://mag.iga.ir/article_254317.html)
- ۱۰) رنجبر، مقصود (۱۳۷۸). ملاحظات امتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- (۱۱) سلطانی، آرش؛ متقی‌دستنایی، افشین و سیمبر، رضا (۱۴۰۱). بنیان‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با ترکیه از دیدگاه سازه‌انگاری، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص. ۱۲۲-۱۰۹. Doi:10.30495/jzpm.2020.4279
- (۱۲) فارس (۱۴۰۲). اردوغان: گشایش «کریدور زنگزور» مسئله‌ای با ایران است نه ارمنستان، بازیابی از خبرگزاری فارس: <https://turkic.world/en/articles/turkiye/111736>
- (۱۳) کاظم‌پور، ذکریا و محمدی، فرزاد (۱۴۰۰). بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، پژوهش ملل، دوره ۶، شماره ۶۸، صص. ۴۲-۲۳. <https://rnmagz.com/index.php>
- (۱۴) کامران‌دستجردی، حسن، زارعی، بهادر؛ حیدری، علیرضا و متقی، افشین (۱۳۹۲). منطقه خزر: عرصه رقابت قدرتهای منطقه ای و فرمانطقه ای، فصلنامه علمی جغرافیا، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص. ۱۰۶-۷۹. [https://mag.iga.ir/article\\_704468.html](https://mag.iga.ir/article_704468.html)
- (۱۵) کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی خوارزمی.
- (۱۶) کولایی، الهه (۱۳۸۹). سیاست و حکومت در آسیای مرکزی. تهران: سمت.
- (۱۷) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی: مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشر نی.

- 18) Ahmadipour, Z. (1996). The necessity of determining the legal regime of the Caspian Sea in the light of the new geopolitics of the region. *Geographical Research*, Vol.11, No 4, pp. 31-51. [persian].
- 19) Ahmadipour, Z. Mousavishefai, S. & Pourdest, Z. (2017). Analyzing the rivalry between Iran and Türkiye in the Syrian crisis. *Geopolitics Quarterly*, Vol. 15, No. 3, pp. 121-90. [persian].
- 20) Ahmadi Musaabad, R. Mohammadzadeh, A. & Ashrafi, A. (2021). A field study of Turkey's geopolitical approach in the Eurasian area with an emphasis on energy resources in the Caucasus region. *Political Strategy Quarterly*, Vol. 5, No. 16, pp. 161-179. [persian].
- 21) Alizade, S. (2023). Iran is main obstacle in issue of opening Zangazur corridor - Turkish president. Retrieved from TurkicWorld: <https://turkic.world/en/articles/turkiye/111736>
- 22) Al-Nouimat, A., Jakubayeva, S., Zhekenov, D. & Azimov, A. (2019). Geopolitical interest of Iran in Central Asia. *International Relations and International Law Journal*, Vol. 87, No.3, pp. 40-46. Doi:10.26577/IRILJ.2019.v87.i3.04
- 23) Aydın, M. (2007). Turkish Policy toward the Caucasus: Some General Considerations. In B. Balcı, & R. Motika, *Religion et politique dans le Caucase post-soviétique*. pp. 69-79. Istanbul: Institut français d'études anatolienne. doi:10.4000/books.ifeagd.1527
- 24) Balla, E. (2013). Turkish and Iranian interests and policies in the South Caucasus. *Policy Brief*, pp. 1-4. [https://www.files.ethz.ch/isn/163461/gf\\_nahost\\_1211.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/163461/gf_nahost_1211.pdf)
- 25) Davutoglu, A. (2015). *Strategic depth*. Translator: Mohammadhossein NuhinejadMamqani. (second edition). Tehran: Amir Kabir. [Persian].
- 26) Dehghan Tarzjani, M. (1999). Priorities and sources of threats to Iran's national interests in Central Asia and the Caucasus. *Political-Economic Information*, Vol. 14, No. 145-146, pp. 68-83. [Persian]
- 27) Erat, S. & Telli, A. (2020). Within the global circular economy: A special case of Turkey towards energy transition. *MRS Energy & Sustainability*, Vol. 7, No. 1, pp. 1-10. doi:10.1557/mre.2020.26
- 28) Farsnewagancy. (1402, 3, 24). Erdogan: The opening of "Zangzor Corridor" is a problem with Iran, not Armenia. Retrieved from Fars news agency: <https://turkic.world/en/articles/turkiye/111736>
- 29) Gadzhiev, A. (2015). Geopolitical, Trade, and Economic Interests of Turkey and Iran in the Southern Caucasus. *Review of Armenian Studies*. No. 32, pp. 155-170. <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/777525>
- 30) Gide, F. (2020). Geopolitical Analysis of the Crimean Peninsula and the Black Sea in the Context of Turkish-Russian Energy Policy. *УПРАВЛЕНЧЕСКОЕ КОНСУЛЬТИРОВАНИЕ*, No. 2, pp. 134-147. doi:10.22394/1726-1139-2020-2-134-147
- 31) Hafeznia, M. (2019). *Political geography of Iran*. Tehran: Samt. [persian]
- 32) Haj Zargarbashi, S. & Shokri, M. (2022). The changing geopolitics of Central Asia and the Caucasus; Iran's position in the future of regional balance. *Strategic Policy Research*, Vol. 11, No 41, pp. 123-144. [persian].

- 33) Hedlund, S. (2023). Geopolitical transformation in the South Caucasus. Retrieved from Gisreportsonline: <https://www.gisreportsonline.com/r/geopolitical-transformation-south-caucasus/>
- 34) Kamrandastjardi, H. Zarei, B. Heydari, A. & Motaghi, A. (2012). The Caspian region: the arena of competition between regional and extra-regional powers. Scientific Quarterly of Geography, Vol. 11, No. 39, pp. 79-106. [persian]
- 35) Karimipour, Y. (2001). An introduction to Iran and its neighbors (sources of tension and threats). Tehran: Kharazmi Academic Jihad Publications. [persian]
- 36) Kazempour, Z. & Mohammadi, F. (2021). Examining the factors of convergence and divergence between the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan. Research of Nations, Vol. 6, No. 68, pp. 23-42. [Persian]
- 37) Kolai, E. (2010). Politics and governance in Central Asia. Tehran: Samt. [perian]
- 38) Mantilla, L. F. (2021). How Political Parties Mobilize Religion. Philadelphia: Temple University Press.
- 39) Mojtahedzadeh, P. (2000). Geopolitical ideas and Iranian realities: studying the relationship between geography and politics in the world. Tehran: Ney. [persian].
- 40) OEC. (2023). (Iran / Turkey. Re Observatory of Economic Complexity: <https://oec.world/en/profile/country/irn?flowSelector1=flow0>
- 41) Perthes, V. (2010). Turkey Role in Middle East: An Outsider Perspective. Insight Turkey, Vol. 12. No. 4, pp. 1-8. [https://www.swp-berlin.org/publications/products/fachpublikationen/1010\\_Turkeys\\_Role\\_in\\_the\\_ME\\_KS.pdf](https://www.swp-berlin.org/publications/products/fachpublikationen/1010_Turkeys_Role_in_the_ME_KS.pdf)
- 42) Pishgahifard, Z. Mustafavi, G. & Zaki, Y. (2018). Analyzing Türkiye's positions towards regional developments (case study: ISIS). Political Studies of the Islamic World, Vol. 8, No. 4, pp. 26-46. [Persian].
- 43) Ranjbar, M. (1999). Security considerations in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Strategic Studies Research Institute. [persian]
- 44) Sahakyan, M. (2021). The New Great Power Competition in Central Asia: Opportunities and Challenges for the Gulf. Abu Dhabi: Anwar Gargash Diplomatic Academy. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=4338973>
- 45) Sahin, H. (2020). Production sharing agreements in the Caucasus and Central Asia: a contextual study of Azerbaijan and Kazakhstan. TDM, Vol. 17. No. 1, pp. 493-508. [https://irep.ntu.ac.uk/id/eprint/41442/1/1381367\\_Sahin.pdf](https://irep.ntu.ac.uk/id/eprint/41442/1/1381367_Sahin.pdf)
- 46) Sinkaya, B. (2019). Turkey-Iran Relations after the JDP. Istanbul: Institut français d'études anatoliennes. doi:10.4000/books.ifeagd.2934
- 47) Soltani, A. Motaghi Dastanai, A. & Simbar, R. (2022). The geopolitical foundations of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran with Turkey from the perspective of constructivism. Regional Planning, Vol. 12, No. 45, pp. 109-122. [Persian].
- 48) Worldbank. (2023). GDP (current US\$) - Iran, Islamic Rep., Turkiye. Retrieved from worldbank: <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?end=2022&locations=IR-TR&start=1960&view=chart>
- 49) Yükselen, H. (2020). Strategy and Strategic Discourse in Turkish Foreign Policy. Berlin: Springer Nature.
- 50) Zaki, Y. & Pashalu, A. (2016). Mediation performance of the Islamic Republic of Iran in the geopolitical crisis of Karabakh. Scientific Quarterly of Geography, Vol. 15, No. 53, pp. 133-150. [persian].